



جور استاد

« احمد شریف پور

دانش‌پذیران بسیاری سروکار داشته‌ام که در عین داشتن اطلاعات بسیار وسیع و دقیق (به عنوان مثال از یک نرم‌افزار) نتوانسته‌اند ارتباط منطقی صحیحی را میان این اجزا در ذهن‌شان برقرار کنند. به عبارت دیگر تمام آن اطلاعات در ساختار ذهنی غلطی چیده شده که این امر میزان بهره‌وری و قدرت استفاده از آن اطلاعات را به شدت تحت تأثیر قرار داده و کاهش می‌دهد. این مشکل به‌ویژه در هنگام سروکار داشتن با مفاهیم انتزاعی و ساختارهای مجازی که از اصول اساسی دانش کامپیوتر است بیش‌تر از جاهای دیگر به چشم می‌خورد.

به عنوان آخرین مورد، باید به جنبه‌ای دیگر از این موضوع هم اشاره و در واقع اعتراف کنم. موضوع این است که یکی از بزرگ‌ترین سوده‌های نهفته در آموزش سنتی، به جای دانش‌پذیران نصیب استاد می‌شود! استادان همواره به واسطه آموختن دانسته‌هایش آن‌ها را بهتر یاد می‌گیرند و این موضوعی است که من بارها و بارها در زندگی حرفه‌ای تجربه کرده‌ام. هرگاه در زمینه‌ای به رغم داشتن اطلاعات به نسبت کافی احساس ضعف کرده‌ام، سعی کرده‌ام دوره‌ای را در همان زمینه تدریس کنم و مطمئن بوده‌ام که پس از طی آن دوره دانش خودم درباره آن موضوع عمیق‌تر خواهد شد.

البته، تمام این‌ها به واسطه همان عامل انسانی، پیش‌بینی‌پذیر نبودن افراد، تأثیر شرایط و مشکلات بیرونی بر آن‌ها و... ممکن است کاملاً در جهت عکس کار کنند، اما از دید من هنوز جنبه مثبت یادگیری از طریق تعامل با انسان‌ها بسیار بیش‌تر از جنبه‌های منفی آن است و هنوز هم بسیار بهتر از سروکار محتوای تعاملی الکترونیک و صداها و ویدیوهای ضبط شده است. در نهایت من تمام شیوه‌های آموزشی نوین را به عنوان بخشی کمکی و ابزاری جانبی در کنار آموزش سنتی انسان‌محور می‌بینم که بدون وجود آن عامل انسانی (با تمام اشکالاتش) چندان راه به جایی نخواهند برد.

شد. از دید من همه این روش‌های نوین آموزش و تمام این ابزارها و رسانه‌های آموزشی نوین در کنار تمام مزایایی که به همراه دارند، دچار کمبودی اساسی نیز هستند. اصلی‌ترین تفاوت این آموزش‌ها با آموزش معمولی که ما به عنوان کلاس می‌شناسیم، یک طرفه بودن آن‌ها است. یادگیرنده در این شیوه‌های نوین فقط شنونده است و اساسی‌ترین عاملی که در میان تمام این شیوه‌های نوین آموزش جای خالی آن به وضوح احساس می‌شود، عامل انسانی آموزش‌دهنده یا همان «استاد» است.

با تجربه حدود ده ساله‌ای که در حوزه آموزش دارم، به این نتیجه رسیده‌ام که هر نوع آموزشی بدون حضور مربی به طور حتم ناقص است. البته، دلیل این حرفم لزوماً چیزی مربوط به نفس یادگیری نیست. دلیل من این است که برای این عامل انسانی یعنی استاد، نقش‌هایی فراتر از آموزش صرف متصورم.

نخستین نقش این عامل انسانی جذب آموزش گیرنده به واسطه خصوصیات فردی‌اش است. به احتمال زیاد شما هم از دوران تحصیل خود درس‌ها و دوره‌هایی را به یاد دارید که به‌رغم نداشتن علاقه به محتوای آن‌ها، به صرف ارائه شدن توسط استادی خاص با علاقه‌ای مضاعف در کلاس حاضر می‌شده‌اید. در واقع محتوای آموزش نبود که شما را جذب می‌کرد بلکه جذب آموزش‌دهنده می‌شدید.

دوم این‌که استاد می‌تواند دورنمای آینده آموزش‌گیرنده باشد. این مورد به خصوص در دوره‌هایی که به آموزش مسائل حرفه‌ای و تخصصی می‌پردازند از اهمیت بیش‌تری برخوردار خواهد بود. دانش‌پذیر با دیدن استاد، آینده راه، چالش‌ها و فرصت‌های بازار، شخصیت حرفه‌ای و بسیاری چیزهای دیگر را یاد می‌گیرد که در سایر شیوه‌های آموزش شانس برای یادگیری آن‌ها ندارد.

از دیگر نقش‌های بسیار مهم استاد، اصلاح ساختار ذهنی آموزش‌گیرندگان است. من با

نخستین برخورد با آموزش‌های غیرمتعارف برای من و شاید، بسیاری از هم سالانم به دوران کودکی و سریال محبوب «اسکیپی» باز می‌گردد. نخستین بار در این سریال بود که من با دیدن داستان زندگی پسر بچه‌ای که در یک پارک جنگلی دور از شهر زندگی می‌کرد، با مفهومی به نام آموزش از راه دور آشنا شدم. فهمیدم که می‌توان سر کلاس حاضر نبود اما درس خواند و آموزش دید. در این داستان معلمی از کیلومترها دورتر و از طریق بی‌سیم به شاگردان درس می‌داد و درس می‌پرسید و رفع اشکال می‌کرد.

دومین نمونه آموزش به اصطلاح غیررسمی که من به یاد می‌آورم کتاب‌های صوتی هستند. این نوع محصولات آموزشی رواج‌شان را بیش از هر چیز مدیون آموزشگاه‌های کوچک و بزرگ زبان بودند که در دوران پس از جنگ مانند قارچ از گوشه و کنار شهرها سر برآورده و تب یادگیری زبان خارجی را درمان می‌کردند.

به تدریج پس از آن دوران و با رواج استفاده از کامپیوترهای شخصی و اینترنت، راهنماهای آفلاین و آنلاین نرم‌افزارها، آموزش‌های گام‌به‌گام تصویری، ویدیوهای آموزشی، ارائه‌ها (یا به اصطلاح معمول پاورپوینت‌ها) به تدریج جایگاه خود را به عنوان ابتدایی‌ترین منابع آموزش در زمینه نرم‌افزارها و کاربردهای معمول کامپیوتر باز کردند.

در نهایت آخرین و یکی از اثرگذارترین تحولات حوزه آموزش، از دید من تأسیس آکادمی خان و راه افتادن نمونه‌های مشابه آن بود که آموزش‌های رایگان را در حوزه‌های متنوع برای همه مردم دنیا در دسترس قرار داد.

من از همان ابتدا هم برای یادگیری موضوعات متنوع کم‌وبیش از غالب این شیوه‌های آموزشی استفاده کرده‌ام. اما از همان زمان هم احساس می‌کردم که این شیوه یادگیری مشکلی دارد که البته، آن زمان از درک آن عاجز بودم. اندکی بعدتر که خودم فعالیت حرفه‌ای در زمینه آموزش را آغاز کردم، این مشکل به تدریج برایم آشکار